# فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc426298611)

[صحنه عاشورا 2](#_Toc426298612)

[سفر اباعبدالله (ع) تا 10 محرم 3](#_Toc426298613)

[اشکال اساسی خلافت یزید 3](#_Toc426298614)

[1. پیمان‌شکنی یزید 3](#_Toc426298615)

[2. حاکمیت فساد در جامعه 4](#_Toc426298616)

[شخصیت یزید 4](#_Toc426298617)

[شخصیت یزید از نظر اجتماعی 4](#_Toc426298618)

[سیر حرکت امام حسین (ع) 4](#_Toc426298619)

[ارشاد عمومی امام حسین (ع) 6](#_Toc426298620)

[خطبه دوم 8](#_Toc426298621)

[انتخابات 8](#_Toc426298622)

[دعا 10](#_Toc426298623)

# خطبه اول

**ﭐلْحَمْدُ لِلَّهِ ﭐلَّذِی هَدَانَا لِهَـٰذَا وَمَا کُنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلاَ أَنْ هَدَانَا ﭐللَّهُ.[[1]](#footnote-1) ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسَیُّما مولانا علی بن ابیطالب و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی الائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد وحسن بن علی و خلف القائم المنتظر حجک علی عبادک و أمنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و أمناء الرحمن و سلالة النبین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین.**

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزادَ التقوی.**

# صحنه عاشورا

امام حسین (ع) درصدد بودند که راه و رسمی را پایه‌گذاری کنند که در طول تاریخ این شیوه الهام‌بخش باشد و انسان‌ها را به دین‌داری، دفاع و حمایت از دین خدا و ارزش‌های متعالی اخلاقی، معنوی و دینی ترغیب کنند. به همین دلیل عاشورا برای یک مقطع نیست، بلکه یک مجموعه از درس‌ها و الگوها در عاشورا جمع شده است و در همه عصرها و نسل‌ها نورافشانی کند.

شیوه‌ای که امام حسین (ع) آن را در مسیر خودشان انتخاب کردند، راه جدیدی بود، راه پیروزی، غلبه بر دشمن و تحکیم، تثبیت مبانی و ارزش‌های دین،‌ نه از طریق غلبه ظاهری، بلکه از طریق مظلومیت و فداکاری همراه باعزت و افتخار، این روشی بود که حضرت اباعبدالله را برگزیدند. خیلی‌ها در آن زمان بودند که عمق هدف و برنامه‌ای که امام حسین (ع) را درک نمی‌کردند. اما تاریخ هرچه بیشتر گذشت، ابعاد فروزان عاشورا و حادثه بزرگ کربلا، آشکارتر شد. قطعاً در عقل کسانی که در عصر اباعبدالله بودند، جز بعضی از خواص، نمی‌گنجید که مظلومیت و شهادت مظلومان جمع اندکی در بیابان سوزان، این‌چنین در تاریخ ثبت شود و در ابعاد بزرگ ماندگار بشود و در تاریخ نیز آن‌قدر تأثیرگذار بشود. امّا عمق عاشورا، اخلاص بی‌کران اباعبدالله و تمام آن طرح‌ها و برنامه‌هایی که در عاشورا طراحی‌شده بود، برخلاف تصور دشمن و حتی دوستان، این‌چنین فروزان و شعله‌ور باقی ماند.

# سفر اباعبدالله (ع) تا 10 محرم

وقتی به سفر چند ماه اباعبدالله حسین (ع) بنگریم، زمانی که از مدینه بیرون آمدند، تا 10 محرم، سفر کوتاهی است که در تاریخ باقی ماند. البته در سخنان امام حسین و فاطمه (س) و امام سجاد (ع)، نشانه‌هایی وجود دارد که خود این موارد عظمت و ماندگاری این افتخار بزرگ را پیش‌گویی کردند.

حضرت با پیشنهادات متعددی روبه‌رو بود و هر جا به گونه‌ای پاسخ‌گو بودند، اما عمق آنچه حضرت در ذهن داشتند، کمتر بیان می‌کردند. ولی درعین‌حال این سیر سفر را ملاحظه کنید، می‌بینید که مرتّب حضرت ذهن و ضمیر جامعه را در برابر انحراف و فساد بزرگی که بر جامعه حاکم شده است روشن می‌کنند و اهداف خود را در این قیام و نهضت تبیین کرده‌اند.

البته لحن و گفتار حضرت در مسیر به مکه به‌گونه‌ای است، بعد از مکه که به عزم کوفه حرکت کردند، یک مقدار تفاوت پیدا می‌کند و بعد از وصول خبر شهادت مسلم، لحن تغییرات روشن‌تری پیدا می‌کند. این سفر کوتاه پنج مرحله دارد که حضرت در هر مرحله به‌نوعی سخن می‌گویند، اما درعین‌حال یک خط کلی از ابتدا تا انتها وجود دارد. روشن کردن مسیر، اهداف و آرمان‌هایی که حضرت به خاطر آن از مدینه بیرون آمدند و چشم‌اندازی که امام حسین برای این حرکت ترسیم کرده‌اند.

# اشکال اساسی خلافت یزید

واقعیتی که امام حسین (ع) با آن روبرو بود، این‌که یزید به خلافت رسید و این دو اشکال اصولی داشت:

# 1. پیمان‌شکنی یزید

خلافت یزید برخلاف عهدنامه‌ای بود که معاویه با امام حسن (ع) به امضا رسانده بود. در عهدنامه معاویه با امام حسن (ع) چند بند وجود داشت. یکی از بندهای مهم این بود که من‌ بعد از خود کسی را تعیین نخواهم کرد و خلافت امت اسلامی بعد از معاویه به مردم بازگردانده خواهد شد. معاویه از چند سال قبل شروع کرد که این بند را مانند سایر بندها زیر پا بگذارد و زمینه را برای خلافت یزید فراهم کند. امام حسین (ع) از سال‌های آخر عمر معاویه، به‌طورجدی وارد این قضیه شده بود و مرتب در سفرها، ملاقات و مکاتبات خود، روی بحث یزید تأکید می‌کرد. حضرت بر عهدنامه پایبند بود، اما از وقتی‌که نصب یزید مطرح شد، لحن حضرت در مقابل معاویه تغییر می‌کند. این مطلب در بخشی از مکاتبات معاویه با امام حسین (ع) ذکرشده است. بعد از مرگ معاویه، فصل جدید برخورد حضرت با دستگاه بنی‌امیه شروع می‌شود.

# 2. حاکمیت فساد در جامعه

نوع رفتار یزید و حاکمیت مطلق مفاسد و انحرافات در دستگاه به‌هیچ‌عنوان برای حضرت قابل‌تحمل نبود.

# شخصیت یزید

یزید در همه خصلت‌ها، خلق‌ها، عادات و ملکات و رفتار، ضد حسین و نقطه مقابل او بود. یزید، از یکی از ریشه‌دارترین خاندان‌های قریش بود ولی دوست و دشمن، موافق و مخالف، همگی در مشهورترین خصلت این خاندان، اتّفاق نظر دارند و آن، نخوت و خودپسندی و خودخواهی آن‌هاست.

خصلت‌های یزید آن‌قدر آشکارشده بود که در اشعار و در زبان مردم رواج پیداکرده بود. تظاهر به فسق ‌و فجور و اظهار علنی به شکستن موازین اسلام در دستگاه بنی‌امیه رسمیت یافته بود.

# شخصیت یزید ازنظر اجتماعی

به ‌لحاظ اجتماعی، ظلم و ستمی که به مردم روا می‌داشت و تعدی‌هایی که به امّت اسلام داشت، فشارهای زیادی که به‌خصوص متوجه مدینه و کوفه و شهرهایی که تمایل به اهل‌بیت داشتند، غیرقابل تحمّل شده بود. بنی‌امیه از امام حسین چیزی جز تسلیم و ذلّت و درنهایت کشته شدن را می‌خواستند.

# سیر حرکت امام حسین (ع)

در زمان معاویه سال 60، خطبه‌ای خواندند که نشان‌دهنده تغییر موضع اهل‌بیت در برابر بنی‌امیه است.

تحفة العقول خطبه امام حسین در منا منشور جدیدی بود که نشان‌دهنده استراتژی و برنامه‌ریزی اهل‌بیت در برابر بنی‌امیه است. حضرت در این خطبه به علما پرخاش کرد و به مردمان حاضر در آنجا تند شد که چرا نشسته‌اید و آرام هستید، مگر انحرافات بزرگ از طرف دستگاه بنی‌امیه را نمی‌بینید، شما عزتتان را از اسلام دارید، امّا آماده نیستید که برای اسلام فداکاری کنید.

**وَ لَکنْ لِنُرِی الْمَعَالِمَ مِنْ دِینِک وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِی بِلَادِک[[3]](#footnote-3)** این خطبه زمانی ایراد شد که هنوز صحبت از خروج و مبارزه بایزید مطرح نبود. امام علیه‌السلام در آخر این خطبه دعا می‌کنند و خطاب به خدای متعال می‌گویند: پروردگارا! تو می‌دانی که هدف ما از این فعالیت‌های سیاسی جز این نیست که معالم دین تو و معیارهای اسلامی را به مردم نشان دهیم؛ یعنی نشان دهیم دین چیست و نشانه‌های آن کدام است و چگونه و با چه معیاری می‌توان افراد دین‌دار و افراد بی‌دین را شناخت؟ و نیز هدف ما این است که اصلاح را در بلاد تو ظاهر کنیم. کلمه «نظهر» دو معنی می‌تواند داشته باشد؛ اول این‌که یعنی روشن کنیم اصلاح چیست، و دیگر آن‌که یعنی اصلاح را تحقق‌بخشیم و بر فساد، ظاهر و غالب گردانیم.

قبل از بیرون آمدن حضرت عبدالله بن زبیر، مواردی گفت که حضرت در پاسخ فرمودند: «هرگز با او بیعت نخواهم کرد که یزید برخلاف عهد برادرم به خلافت رسید» در پاسخ به عبدالله بن زبیر می‌فرماید:

«**انظر یا ابابکر انّی ابایع لیزید و یزید رجل فاسق معلن الفسق یشرب الخمر و یلعب بالکلاب و الفهود و یبغض بقیة آل الرسول؟! لا واللّه لا یکون ذلک ابداً**»[[4]](#footnote-4)

ای ابوبکر، ببین آیا من بایزید بیعت کنم درحالی‌که او مردی زشت‌کردار است، به فسق و فجور تظاهر می‌کند، شراب می‌خورد و با سگ‌ها و میمون‌ها بازی می‌کند و نسبت به بازماندگان خاندان پیامبر بغض می‌ورزد؟! نه به خدا سوگند هرگز چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

امام حسین ـ علیه‌السلام ـ در اولین اظهارنظر خود در خانه ولید، این مسئله را پیش کشید و این‌گونه بیان فرمود:

**«أَیُّهَا الْأَمِیرُ إِنَّا أَهْلُ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِکَةِ وَ بِنَا فَتَحَ اللَّهُ وَ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ»** در فراز دوم فرمود: **«وَ** **یَزِیدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ شَارِبُ الْخَمْرِ قَاتِلُ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعْلِنٌ بِالْفِسْقِ وَ مِثْلِی لَا یُبَایِعُ مِثْلَهُ وَ لَکِنْ نُصْبِحُ وَ تُصْبِحُونَ وَ نَنْظُرُ وَ تَنْظُرُونَ أَیُّنَا أَحَقُّ بِالْبَیْعَةِ وَ الْخِلَافَة»[[5]](#footnote-5)**

ای امیر، ما خاندان پیامبر و معدن رسالتیم، خاندان ماست که محل نزول فرشتگان الهی و محل نزول رحمت خداست، خداوند اسلام را با خاندان ما آغاز کرد و با خاندان ما به‌پیش برد و حال‌آنکه یزید مردی زشت‌کردار، شراب‌خوار، قاتل انسان بی‌گناه و آشکارکننده و تظاهرکننده به فسق است. بنابراین کسی مانند من باکسی مانند او بیعت نخواهد کرد.

پس از مرگ معاویه، یزید به والی مدینه دستور می‌دهد که از امام حسین (علیه‌السلام) برای او بیعت بگیرد. حضرت ازآنجاکه بیعت بایزید را تأیید حکومت ظالمانه و غاصبانهٔ او می‌داند، و چنین حکومتی از مصادیق بارز اثم و عدوان قلمداد می‌شود، زیر بار چنین بیعتی نمی‌روند و برای عدم اعانهٔ به اثم و عدوان، از مدینه به مکّه هجرت می‌کنند. حضرت در توجیه این حرکت می‌فرماید: «**وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّی رَسُولَ اللَّهِ یَقُولُ إِنَّ الْخِلَافَةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَی وُلْدِ أَبِی سُفْیَانَ وَ کَیْفَ أُبَایِعُ أَهْلَ بَیْتٍ قَدْ قَالَ فِیهِمْ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا**».[[6]](#footnote-6) من خودم از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: «خلافت و حکومت بر خاندان ابوسفیان حرام است»؛ پس من چگونه با خانواده‌ای که چنین مطلبی را رسول خدا درباره‌شان فرموده، بیعت کنم؟!

حضرت در جواب مروان که او را دعوت به آرامش کرد فرمود: **عَلَی الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بُلِیَتِ الْأُمَّةُ بِرَاعٍ مِثْلِ یَزِیدَ»[[7]](#footnote-7)** اگر کسی مثل یزید قرار به حاکمیت باشد، پایان عصر اسلام است و من زیر این حکومت فاسد نخواهم رفت.

وقتی برای خداحافظی با رسول گرامی آمدند و قبر ایشان را زیارت کردند، می‌فرمایند: من برای دین تو از مدینه بیرون می‌روم و خدایا تو می‌دانی که معروف را دوست دارم و منکر را نمی‌پسندم و برای احیای معروف و نابودی باطل از کنار قبر جدم بیرون می‌روم.

# ارشاد عمومی امام حسین (ع)

پس از برداشتن نخستین گام، یعنی پرهیز از بیعت بایزید، نوبت به گام بعدی، یعنی ارشاد امت مسلمان می‌رسید: ارشاد نسبت به وضعیت نگران‌کننده و بحرانی جامعه اسلامی، و پایمال شدن احکام و حدود الهی و سنت پیامبر و نیز خطرهای ناشی از به خلافت رسیدن یزید که جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد.

ازاین‌رو در نخستین اقدام خود، وصیت‌نامه‌ای نوشت و به برادرش محمد حنفیه سپرد و در آنجا به مسئله امربه‌معروف و نهی از منکر که نقش ارشادی و هدایت جامعه را دارد، اشاره نمود.

**إِنّی لَمْ أَخْرُجْ أَشِرًا وَلا بَطَرًا وَلا مُفْسِدًا وَلا ظالِمًا وَإِنَّما خَرَجْتُ لِطَلَبِ الاِصْلاحِ فی أُمَّةِ جَدّی، أُریدُ أَنْ آمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهی عَنِ الْمُنْکرِ.[[8]](#footnote-8)**

همانا خروج کردم زیرا خواستار اصلاح در امت جدم بودم و امربه‌معروف و نهی از منکر را قصد نمودم.

نیز در نامه خود به بزرگان بصره نوشت:

**وَ أَنَا أَدْعُوکُمْ إِلی کِتابِ اللّهِ وَ سُنَّةِ نَبِیِّهِ (صلی الله علیه وآله)، فَاِنَّ السُنَّةَ قَدْ أُمیتَتْ، وَ إِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أُحْیِیَتْ، وَ اِنْ تَسْمَعُوا قَوْلی وَ تُطیعُوا أَمْری اَهْدِکُمْ سَبیلَ الرَّشادِ، وَ السَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ.[[9]](#footnote-9)**

من شمارا به‌سوی کتاب خدا و سنت پیامبرش فرامی‌خوانم، ـ به‌راستی‌که در این زمان ـ سنت رسول خدا از بین رفته و بدعت جای آن را گرفته است. بنابراین اگر سخنانم را شنوا باشید و فرمانم را اطاعت کنید شمارا به‌سوی راه رشد و سعادت هدایت و راهنمایی می‌کنم.

دریکی از منزل‌های بین راه حضرت می‌فرماید: **قالَ الاْمامُ الْحُسَین علیه السلام: إنّی لا أری الْمَوْتَ إلاّ سَعادَة، وَ لاَ الْحَیاةَ مَعَ الظّالِمینَ إلاّ بَرَماً.[[10]](#footnote-10)**

امام حسین – علیه‌السلام – فرمود: به‌درستی که من از مرگ نمی‌هراسم و آن را جز سعادت نمی‌بینم؛ وزندگی با ستمگران و ظالمان را عار و ننگ می‌شناسم.

این مسیری است که امام حسین (ع) ترسیم می‌کنند تا جمعی ولو اندک ساخته شوند که همه‌چیز خود را درراه خدا قربانی کنند. کسانی باید همراه حضرت بمانند که هیچ‌چیزی جز خدا در دل آن‌ها نمانده باشد.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ[[11]](#footnote-11)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا[[12]](#footnote-12) ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسَیُّما مولانا علی بن ابیطالب و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی الائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد وحسن بن علی و خلف القائم المنتظر حجک علی عبادک و أمنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و أمناء الرحمن و سلالة النبین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین.**

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[13]](#footnote-13) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ زادَ خَیرَ التقوی.**

**.**

# انتخابات

انتخابات مجلس هفتم در عرصه بین‌المللی معنا و مفهوم بزرگی داشت، زیرا بیش از انتخابات گذشته زیر ذرّه بین‌ها قرار داشت دستگاه‌ها و بوق‌های تبلیغاتی دشمنان اسلام برای اختلال و برگزار نشدن انتخابات به کار گرفته‌شده بود. برای ما در این مقطع، وضعیت بسیار شکننده‌ای وجود داشت، این وضعیت اگر به‌درستی هدایت نشده بود و مردم با عزم و همت والای خودشان در عرصه انتخابات حضور پیدا نکرده بودند مخاطرات زیادی را برای کشور ما به وجود می‌آورد. در دوره گذشته حجم انبوه رسانه‌های دنیا را در برابر برگزاری مجلس هفتم را موردمطالعه قرار بدهیم آن‌وقت درخواهیم یافت که چه هجوم سنگینی برای ممانعت برگزاری یا کاهش شرکت به کار گرفته شد.

امروز حضور آمریکایی‌ها در افغانستان و عراق بیشتر تأکید بر دموکراسی و آزادی مردم است با این شعارهای جذاب روی صحنه آمدند. در بسیاری از کشورهایی که چندین دهه موردحمایت آمریکا بودند، یا انتخابات نیست یا مجلس یا قوای انتخابی وجود ندارد و بعضی جاها نیز که انتخابات وجود دارد، در سطحی محدود صورت می‌گیرد. در منطقه خاورمیانه که اکثراً به آمریکا وابسته بودند، چنین وضعیتی ایجادشده است. آمدن آمریکا در کشورهای دیگر تحت یک شعار جذابی است، درحالی‌که این شعار در مناطق زیر نفوذ خودشان عمل نمی‌شود. این‌ها برای اینکه بتوانند تنها نظام اسلامی که محور دین‌خواهی در جهان امروز است، موردحمله و هجوم قرار بدهند. این توجیه سلاح‌های اتمی و صلح خاورمیانه و تروریسم است. در مقابل آمریکا یک حقیقت را باید ما بدانیم که عمق هدف آن‌ها، این نیست. آن‌ها در عراق تن به انتخابات نمی‌دهند و در خود افغانستان اگر بخواهند سر انتخابات و رأی مردم بایستند، قطعاً همان‌طور که در قانون اساسی شکست خوردند در مراحل دیگر نیز شکست می‌خورند. دین‌داری و علاقه مردم در سراسر دنیا چیزی نیست که بتوان محو کرد. حضور مردم ایران در این مقطع، حجم بزرگی از نقشه‌های بسیار خطرناک آن‌ها برای اختلال در انتخابات را روشن کرد. معنای انتخابات این نبود که در کشور مشکلی وجود ندارد، بلکه مردم عمیق‌تر از این‌ها به مداخله و توطئه‌های پیچیده برای سرکوب نظام اسلامی پی بردند و جمعیت انبوهی که وظیفه‌شناسی کردند و در انتخابات حضور پیدا کردند، نشان دادند که از رشد و آگاهی عمیق سیاسی برخوردارند و توانایی تشخیص مسائل ریز و درجه‌دو و سه را از مسائل اصلی نظام‌دارند.

انتخابات مجلس هفتم نظام اسلام را از یک خاک‌ریز بسیار مهم دشمن عبور داد. قطعاً مورد رضایت خدا و امام زمان (عج) بود. اما از این به بعد مسئولیت سنگینی داریم، ما هم چنان در مواجهه با خطرهای بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی قرار داریم. از یک‌سو مجلس ما، مجلس پرکار و فعالیت برای رفع مشکلات کشور باشد و از سویی جناح‌ها و گروه‌های سیاسی قواعد انتخابات را رعایت کنند و همچنان ما باید درصحنه حاضر باشیم تا خطرهای دیگری که طراحی کرده‌اند به‌جایی نرسد.

# دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم یا الله ... یاارحم الرحمین.**

خدایا دل‌های ما را به انوار معرفت خودت منور بفرما. گام‌های ما را درراه خودت استوار بدار. همه ما را از پیروان راستین عاشورا قرار بده. ما را از محافظان و صیانت گران پیام عاشورا و شهیدان مقرر بفرما و....

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ وَالْعَصْر إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[14]](#footnote-14)**

1. . سوره اعراف، آیه 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . حشر آیه 18 [↑](#footnote-ref-2)
3. . بحارالانوار، ج 44، ص 329، باب 37، روایت 2 [↑](#footnote-ref-3)
4. . الفتوح، ج 5، ص 11؛ مقتل خوارزمی، ج 1، ص 182. [↑](#footnote-ref-4)
5. . الفتوح، ج 5، ص 14؛ مقتل خوارزمی، ج 1، ص 184؛ مثیر الاحزان، ص 24؛ بحارالانوار، ج 44، ص 325. [↑](#footnote-ref-5)
6. . الخوارزمی: مقتل الحسین 1 / 184 - 185.. [↑](#footnote-ref-6)
7. . اللهوف ص 24. [↑](#footnote-ref-7)
8. . بحارالانوار، ج 44، ص 329. [↑](#footnote-ref-8)
9. . تاریخ طبری، ج 3، ص 280؛ مثیر الاحزان، ص 27؛ بحارالانوار، ج 44، ص 340. [↑](#footnote-ref-9)
10. . بحار الأنوار، ج 44، ص 192. [↑](#footnote-ref-10)
11. . الکوثر. [↑](#footnote-ref-11)
12. . اعراف 43. [↑](#footnote-ref-12)
13. آل عمران 102. [↑](#footnote-ref-13)
14. . سوره والعصر. [↑](#footnote-ref-14)